

بررسی نظریات شفافیت مالی و کیفیت نهادی در صنعت بانکداری

سیده سمانه دستخط گشتی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول).

Ghashti.s@hnhk.ac.ir

دکتر داود گرجی زاده

مدرس گروه حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران.

d.gorjizade@hnhk.ac.ir

چکیده

ادبیات مالی نشان می‌دهد که شفافیت در بازار مالی، علاقه و رفاه سرمایه گذاران بازار مالی و سیستم مالی را در کل ارتقا می‌دهد. به طور تجربی بیان شده است که شفافیت در بخش مالی باعث افزایش اعتماد سرمایه گذاران به سیستم مالی، کاهش هزینه های مالی، کاهش محدودیت های تخصیص اعتبار می شود و با کاهش ریسک اعتباری، ثبات سیستم مالی را افزایش می دهند. شفافیت اطلاعات، رکن اساسی اعتماد سرمایه گذاران محسوب می شود. هر چه قدر شفافیت اطلاعات بیشتر شود، میزان اعتماد سرمایه گذاران بیشتر شده و سرمایه گذاران به بانک هایی اعتماد بیشتری خواهند کرد که اطلاعات بیشتری در ارتباط با نوسانات سرمایه انتشار دهند. افشای اطلاعات بانکی، شفافیت اطلاعاتی را افزایش داده و در گذر زمان باعث افزایش میانگین شاخص قیمت و در نهایت باعث افزایش، حاشیه سود مثبت بانکها خواهد شد.

واژگان کلیدی: شفافیت مالی، کیفیت نهادی، بانکداری.

مقدمه

بانک ها در کنار کارکرد اصلی خود که تأمین کننده منابع مالی بخش های واقعی اقتصاد محسوب می شوند در تجهیز و تخصیص منابع و عرضه خدمات متنوع به مشتریان و در آمدزایی و کسب سود همچون سایر مؤسسات اقتصادی نقش مهمی دارند. با توجه به نقش ویژه و حساس بانکها در نظام اقتصادی کشور بروز هر گونه اختلال یا ناکارآمدی در سیستم بانکها به طور مستقیم بر فعالیت های مالی جامعه مؤثر است؛ زیرا به دلیل عدم توسعه لازم بازار سرمایه، در عمل این بانک ها هستند که عهده دار تأمین مالی بلند مدت می باشند. (نظریان و عزیزیان فرد، ۱۳۹۵). افزایش شفافیت، عدم تقارن اطلاعاتی مدیریت را کاهش می دهد و منجر به بهبود شونددگی سهام شرکت می شود. تقدشوندگی افزایش یافته، سهام را برای سرمایه گذاران نهادی جذاب تر می کند و در نهایت هزینه سرمایه شرکت کاهش می یابد، به همین منظور ضرورت دارد که شرکت ها، بانک ها و مؤسسات مالی و اعتباری بر اساس میزان شفافیت صورت های مالی خود سنجیده شوند (عرفانی و همکاران، ۱۴۰۰).

اهمیت موضوع

شفافیت اطلاعات، رکن اساسی اعتماد سرمایه گذاران محسوب می شود. هر چه قدر شفافیت اطلاعات بیشتر شود، میزان اعتماد سرمایه گذاران بیشتر شده و سرمایه گذاران به بانک هایی اعتماد بیشتری خواهند کرد که اطلاعات بیشتری در

ارتباط با نوسانات سرمایه انتشار دهند. افشای اطلاعات بانکی، شفافیت اطلاعاتی را افزایش داده و در گذر زمان باعث افزایش میانگین شاخص قیمت و در نهایت باعث افزایش، حاشیه سود مثبت بانکها خواهد شد. دارایی های استهلاک پذیر بانکها که بخش عمده ای از شفافیت اطلاعاتی را به خود اختصاص داده اند، زمانی سرمایه واقعی بانکها را افزایش خواهند داد که بر طبق قوانین و مقررات موجود، میزان افشا در حد استانداردهای از پیش تعیین شده انجام شود. بر طبق شاخص لرنر^۱، رقابت بانکی زمانی ایجاد خواهد شد که نرخ رشد قیمت سهام بر مبنای بهای تمام شده حاشیه ای محاسبه گردد. بهای تمام شده حاشیه ای نشان دهنده میزان هزینه پرداخت شده برای افزایش افشای اطلاعات می باشد. بانک ها، زمانی که اقدام به انتشار اطلاعات حاشیه ای مرتبط با سود سهام و قیمت سهام می کنند، میانگین شاخص قیمت سهام تحت تاثیر قرار گرفته و قدرت بازار نشان دهنده میزان تمرکز سرمایه می باشد. با افزایش مقررات بانکی، تمرکز اطلاعات افزایش پیدا کرده و حاشیه سود بانکها نوسانات مثبت را تجربه خواهد کرد. شفافیت سیستم بانکی، میزان رقابت پذیری بانکها را افزایش داده و در بلندمدت باعث افزایش قدرت بازار در جذب سرمایه های پراکنده بازار خواهد شد. سرمایه های پراکنده زمانی جذب سیستم بانکی کشور خواهند شد که کیفیت افشا و شفافیت سیستم بانکی در حد استانداردهای مطلوب از پیش تعیین شده باشد. تمرکز و رقابت، دو عنصر بنیادین افزایش مطلوبیت شفافیت سیستم بانکی بوده و بر پایه شاخص لرنر، قیمت سهام و بهای حاشیه ای تعیین کننده درصد این مطلوبیت می باشد. حسابرسی شفافیت اطلاعاتی بانکها، معیاری نوین برای افزایش رقابت بانکی در دهه اخیر محسوب می شود. هنگامی که حسابرسان میزان مطلوبیت شفافیت اطلاعاتی را مورد حسابرسی قرار می دهند، در واقع میزان رقابت پذیری بانک ها را نیز تعیین می کنند (چراغ، ۱۳۹۹).

یکی از انواع مهم بازارها، بازار سرمایه است که اطلاعات شفاف بر عملکرد آن به شدت موثر است. نقصان اطلاعات در این بازار موجب افزایش هزینه مبادالت و ناتوانی بازار در تخصیص بهینه منابع می شود. اطلاعات که جزء جدایی ناپذیر فرآیند تصمیم گیری است، هر چه شفاف تر و قابل دسترس تر باشد، می تواند به اتخاذ تصمیمات صحیحتری در زمینه تخصیص بهینه منابع منجر گردد و در نهایت باعث کارایی تخصیصی و شفافیت بازار شود که هدف نهایی بازار سرمایه است. رفتار سرمایه گذاران در بورس، نحوه تصمیم گیری، تخصیص منابع پولی - قیمت گذاری و ارزیابی بازده شرکتها را تحت تاثیر قرار می دهد. شرایط مبهم و اشتباهات شناختی که در روانشناسی انسان ریشه دارد، باعث می شود سرمایه گذاران اشتباهاتی در شکل دهی انتظارات خود داشته باشند و در نتیجه رفتارهای ویژه در هنگام سرمایه گذاری در بازارهای مالی از خود بروز دهند. رفتار سرمایه گذاران متأثر از عوامل بسیاری است که یکی از علل اصلی این ابهامات رفتاری، موضوع عدم اطمینان و عدم شفافیت اطلاعاتی است. در صورتی که اطلاعات محرمانه و ناهمگون منتشر گردد واکنش های متفاوتی در بازارهای مالی مشاهده می شود که این امر تحلیل های نادرست و گمراه کننده را به همراه خواهد داشت (سینایی و داوودی، ۱۳۸۸) با در نظر گرفتن این واقعیت که افراد همیشه منطقی نیستند، ممکن است تصمیمات مالی نیز از تعصبات مالی مشتق شده باشد. بنابراین، مطالعه رفتار مالی نقش مهمی در تصمیم گیری های مالی ایفا می کند، جایی که روانشناسی شناختی جهت درک رفتار انسان ها به کار گرفته شده است (نووسینگرو کیم، ۲۰۱۳). در طی دهه های گذشته، بازارهای مالی ملی و بین المللی بحران های فراوانی را تجربه کرده اند. یک دلیل عمده این بحران ها عدم وجود اطلاعات مالی شفاف و کامل است و عدم وجود اطلاعات مالی شفاف و کامل به طور منفی اطمینان عمومی در سطح بازار سرمایه را تحت تاثیر قرار می دهد (نووسینگرو کیم، ۲۰۱۳).

¹ Lerner Index

ادبیات مالی نشان می‌دهد که شفافیت در بازار مالی، علاقه و رفاه سرمایه‌گذاران بازار مالی و سیستم مالی را در کل ارتقا می‌دهد (آسونگو و همکاران^۱، ۲۰۱۹). به طور تجربی بیان شده است که شفافیت در بخش مالی باعث افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم مالی، کاهش هزینه‌های مالی، کاهش محدودیت‌های تخصیص اعتبار می‌شود. و با کاهش ریسک اعتباری، ثبات سیستم مالی را افزایش می‌دهند (کوزی و همکاران^۲، ۲۰۱۷). با تئوری عدم تقارن اطلاعاتی که نشان می‌دهد عدم شفافیت در بازار مالی ممکن است قیمت وام‌های بانکی را در نتیجه افزایش عدم اطمینان بانکی، حق بیمه ریسک و ریسک اعتباری افزایش دهد، این موارد تمایل به افزایش حاشیه سود بانکی^۳ (BIM) دارند، زیرا این ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها از بین می‌روند. مشتریان بانک از طریق قیمت‌گذاری وام با آموختن از مطالعات قبلی (گیکه-داکو و همکاران^۴، ۲۰۱۸؛ پوگوسیان^۵، ۲۰۱۳؛ ناسیور و کندیل^۶، ۲۰۰۹) که بیان می‌کنند که BIM هزینه‌ای است که توسط فعالان بازار مالی متحمل می‌شود، شهودی است که استدلال کنیم که بهبود شفافیت در بازار مالی باید کاهش یابد (کوزی^۷، ۲۰۲۱). طبق تعریف نورث^۸ (۱۹۹۶)، نهادها قیودی وضع شده از جانب بشر هستند که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. نهادها به مثابه قواعد بازی هستند و چارچوب نهادی به نحوه‌ی ترکیب و چیدمان قواعد بازی اشاره دارد. چارچوب نهادی دربردارنده مجموعه‌ای از قیود و محدودیت‌ها بر رفتار و عملکرد عوامل انسانی و سازمانی است که تخطی از این قیود و محدودیت‌ها می‌تواند هزینه‌هایی را برای عوامل انسانی و سازمانی خاطی داشته باشد. نهادها هزینه مبادله را کاهش می‌دهند. نااطمینانی ناشی از عدم تقارن اطلاعات سبب می‌شود هزینه مبادله افزایش یابد. هزینه مبادله را می‌توان هزینه تعیین و حمایت از حقوق و هدایت اجرای قراردادهای تعریف کرد. نقش عمده نهادها در جامعه این است که زمینه و ساختاری تعیین کنند که با مقیدسازی رفتار عوامل انسانی و سازمانی عدم اطمینان را در مبادلات سیاسی و اقتصادی افراد و سازمانها کاهش دهند. در مقابل فقدان چنین قیود نهادی سبب می‌شود هزینه مبادله به قدری بالا برود که عملاً مبادله‌ای صورت نگیرد (زمان زاده و الحسینی، ۱۳۹۵).

در ایران به دلیل عقب ماندگی سایر ارگان‌های بازار مالی، بانک‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای را در تأمین سرمایه‌گذاری ثابت و در گردش فعالیت‌های اقتصادی داشته و سپرده‌های بانکی مهمترین ابزار در دسترس خانوارها برای نگهداری وجوه نقد آنها به حساب می‌آیند. نظام مالی و بانکی کشور ما در کلیه زمینه‌های ساختاری و نهادی، مقررات و نظارت و ابزارهای سیاستی دچار ضعف‌های اساسی است. توسعه مالی در کشورهای در حال توسعه نفتی نظیر ایران که درآمدهای حاصل از صادرات نفتی نتوانسته است در جهت افزایش رشد اقتصادی کمک شایانی کند و بازارهای مالی و نهادها در این کشورها از مشکلات و ضعف‌های زیادی رنج می‌برند؛ از اهمیت بیشتری برخوردار است. اثر کیفیت نهادی^۹ بر توسعه بخش بانکی و به دنبال آن رشد اقتصادی توضیح جدیدی برای سطوح متفاوت توسعه مالی و رشد اقتصادی فراهم می‌آورد که می‌تواند برای سیاست‌گذاران و دستگاه‌های اجرایی این امکان را فراهم کند تا سیاست‌های مناسب‌تری را در جهت بهبود کیفیت نهادی و توسعه نظام مالی اتخاذ کنند (مرادی و گشتی، ۲۰۲۲).

¹ Asongu et al

² Kusi et al

³ bank interest margins

⁴ Gyeke-Dako et al

⁵ Poghosyan

⁶ Naceur & Kandil

⁷ Kusi

⁸ North

⁹ institutional quality

مبانی نظری شفافیت مالی

چند تعریف در اقتصاد مدرن مالی مطرح شده‌اند که یکی از معروف‌ترین آن‌ها از کریگ و کپیتس در سال ۱۹۹۶ است که عبارت است از: باز کردن پنجره‌های بزرگ به سوی مردم درباره ساختار و وظایف دولت، اهداف سیاست‌های مالی، حساب‌های بخش عمومی و پیش‌بینی کوتاه‌مدت پیامدها. شفاف‌سازی یعنی امکان دسترسی به اطلاعات معتبر جامع، به موقع، قابل فهم و در سطح جهانی قابل مقایسه از فعالیت‌های دولت (چه در درون و چه در بیرون بخش دولتی). شفافیت مالی برای جامعیت، وضوح، اتکاپذیری، به موقع بودن، و مربوط بودن گزارشگری همگانی درباره گذشته، حال، و آینده وضعیت امور مالی عمومی - برای پاسخگویی و مدیریت مالی اثربخش، حیاتی است. شفافیت مالی کمک می‌کند تا اطمینان به دست آید که دولت‌ها زمانی که تصمیم‌های اقتصادی می‌گیرند، تصویر دقیقی از امور مالی خود از جمله مخارج و منافع تغییرات سیاست و ریسک‌های نهان در امور مالی عمومی دارند. افزون بر این شفافیت مالی اطلاعات موردنیاز قانون‌گذاران، بازارها، و شهروندان برای پاسخگو ساختن دولت‌ها را فراهم می‌آورد. کشوری که شفافیت مالی را با جدیت و صداقت در دستور کار قرار می‌دهد، قصد دارد که با دسترسی به اهدافی چون بالا بردن رتبه اعتباری خود، افزایش انضباط مالی و مبارزه با فساد مالی و اداری به کمک توسعه مالی کشور رشد اقتصادی خود را شتاب بیشتر و تداوم بهتر بخشد. در چند سال اخیر به شفافیت مالی هم توسط سیاست‌گذاران و هم محافل دانشگاهی و هم تحقیقاتی توجه بیشتر مبذول شده است. یکی از دلایل عمده آن را باید در مساله «فقدان شفافیت» به عنوان یک عامل مهم بروز بحران‌های اخیر آسیا و اقتصاد نفتی مکزیک دانست. در یک سخنرانی در سال ۱۹۹۹ دبیرکل صندوق بین‌المللی پول شفافیت را برای اقتصادها «قاعده‌طلایی» نامید و آن را از سنگ‌های زیربنای معماری مالی ملی و بین‌المللی جدید دانست. تحقیقات جدید اقتصاد مالی حکایت از آن دارند که گرچه هنوز یافتن رابطه علت و معلولی بین شفافیت مالی و انضباط مالی مشکل است ولی با قاطعیت نشانگر آن هستند که کشورهای با عملکرد بهتر آن‌هایی هستند که شفاف‌سازی مالی را بهتر عملی کرده‌اند و با این کار نه تنها فساد مالی و اداری را کاهش داده‌اند بلکه بر «اعتبار» کشور در بازارهای مختلف نیز افزوده‌اند (مرادی و گشتی، ۲۰۲۲).

ارزیابی شفافیت مالی

برنامه ارزیابی شفافیت مالی ابزار تشخیص شفافیت مالی صندوق بین‌المللی پول است. برنامه ارزیابی شفافیت مالی امکانات زیر را در اختیار کشورها قرار می‌دهد:

- ممیزی جامع رویه‌های شفافیت مالی کشورها براساس استانداردهای تمایزبخش وضع شده به وسیله آیین شفافیت مالی.
 - تحلیل دقیق مقیاس و منابع آسیب‌پذیری مالی بر مبنای مجموعه‌ای از شاخص‌های شفافیت.
 - وضعیت ظاهری نقاط قوت و اولویت‌های بهسازی شفافیت مالی از طریق نقشه نقاط حساس به صورت خلاصه و رنگی.
 - طرح اقدام مرحله‌ای برای شفافیت مالی برای کمک به کشورها در پاسخگویی به اولویت‌های بهسازی.
 - امکان انجام ارزیابی بخش‌بندی شده و متمرکز بر تنها یک ستون آیین شفافیت مالی.
- برنامه ارزیابی شفافیت مالی براساس درخواست کشورها اجرا می‌شود. این برنامه به علاوه، با اولویت بندی و انتقال کمک فنی صندوق بین‌المللی پول، ظرفیت‌سازی را پشتیبانی می‌کند. تعداد زیادی برنامه ارزیابی شفافیت تا به امروز در

چندین کشور در پهنه گسترده ای از مناطق و سطوح درآمدی به اجرا در آمده و برنامه های بیشتری در راه است. اداره امور مالی صندوق بین المللی پول از تمایل کشورهای علاقه مند به انجام برنامه ارزیابی شفافیت، استقبال می کند.

شفافیت اطلاعات مالی

اگر مدیران شرکت ها اطلاعات خصوصی را در اختیار بگیرند به عدم تقارن اطلاعاتی در نتیجه انتخاب نا مساعد و خطر اخلاقی منتج می شود (بارنی و همکاران، ۱۹۸۵). هیلی و پالو (۲۰۰۱) معتقدند که شرکت ها می توانند از طریق گزارشگری مالی و افشای اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و تضاد های نمایندگی بین مدیران و سرمایه گذاران خارجی را کاهش دهند. از این رو کیفیت افشا، کیفیت تصمیمات سرمایه گذاری را تحت تاثیر قرار می دهد. مزایای بالقوه افشا و شفافیت بیشتر می تواند شامل هزینه سرمایه کمتر (بتوسان، ۱۹۹۹؛ دیاموند و ورشیا، ۲۰۰۱)، کاهش هزینه های نمایندگی (لفویج و دیگران، ۱۹۸۱)، بهبود قیمت سهام (گلب و زاروین، ۲۰۰۲؛ لانگ و لاندلم، ۲۰۰۰) و افزایش ارزش شرکت (چو و دیگران، ۲۰۱۰) باشد. افشای کافی اطلاعات توسط شخصیت اقتصادی، به سرمایه گذاران و بستانکاران در جست و جوی فرصت های سرمایه گذاری یاری می کند و بدین سان سرمایه به کاراترین شرکت ها روانه می شود.

اندازه گیری شفافیت اطلاعاتی

پژوهشگران در شناسایی عوامل مهم و موثر بر کیفیت افشا و محاسبه شفافیت اطلاعاتی همواره با مشکل رو به رو بوده اند. به هر حال تحقیقات تجربی از عوامل متعددی برای ارزیابی و کمی کردن افشا و شفافیت اطلاعات استفاده کرده است. (لین و همکاران، ۲۰۰۷؛ اسپانهولتز، ۲۰۰۸)، این عوامل شامل اندازه شرکت (آتیاس، ۱۹۸۵؛ لوبو و محمود، ۱۹۸۹؛ اسپانهولتز، ۲۰۰۸) پیش بینی تحلیلگران (دمسی، ۱۹۸۸؛ بتوسان، ۱۹۷۷؛ اسپانهولتز، ۲۰۰۸)، سیستم های رتبه بندی افشا (بتوسان، ۱۹۹۷؛ گلب و زاروین، ۲۰۰۲؛ لین و دیگران، ۲۰۰۷)، ساختار مالکیت (فان و وانگ، ۲۰۰۲) و سرمایه گذاری بلندمدت در سهام (لین و همکاران، ۲۰۰۷) است.

پیامدهای اقتصادی شفاف سازی

مهم ترین مجرای اصلی ارتباط و انتقال آثار شفاف سازی با پیکره را تحقیقات اخیر بازارهای مالی می دانند. توجه کافی مجلسیان به مراحل بودجه نویسی و نظارت کارآمد بر اجرای آن از عوامل تاثیرگذار بر نتایج شفاف سازی بر اقتصاد ملی است. تحقیقات گویای آن است که اگر دولت ها شفاف سازی مالی را برای سند پیش بینی دخل و خرج سالانه خود یعنی بودجه چه در مورد کیفیت داده های اجرایی آن و چه در مورد ریسک مالی منابع درآمدی به کار گیرند، قطعاً از گرفتار شدن در کسری بودجه های معمول جلوگیری می کنند. یکی از پیشنهادهای سیاسی آن تحقیقات آن است، که دولت ها برای بودجه سالانه خود یک چارچوب بودجه نویسی میان مدت برپا کنند. اگر دولت ها چنین کنند و طرح های خود را در یک آیین نامه تمام نمای میان مدت برای کارشناسان و رقبای سیاسی و مردم منتشر سازند، قدرت نظارت بر فعالیت های خود را بالا برده اند و انضباط مالی بیشتر و در نتیجه کسر بودجه کمتری را بر اقتصاد ملی تحمیل می کنند. بحث دارد طولانی می شود و در ابعاد کلی خود هم ناقص مانده است. اجازه دهید خلاصه کنم، شفاف سازی مالی در بهتر اجرا شدن و پایداری سیاست ها و قدرت بخشی به «پاسخگویی» دولت ها نقش دارد. شفاف سازی مالی شناخت مردم را از ساختار و کارکرد دولت ها بالا می برد و بر کم و کیف انتظارات مردم از دولت ها اثر می گذارد. ساختمان شفاف سازی مالی کشورها بر چهارپایه اساسی قرار دارند:

- ۱) اصل روشن بودن قواعد دولتی و مسوولیت‌پذیری‌های دولتی با معرفی درست ساختار و وظایف دولت به مردم و شفافیت بخشیدن به رابطه دولت با بقیه اقتصاد ملی و کم‌کیف تصدیگری‌های حاکمیتی و غیر حاکمیتی.
- ۲) اصل دسترسی عموم به اطلاعات با تاکید بر انتشار به موقع اطلاعات جامع مالی و شفافیت به سازوکار بازارهای پولی و سرمایه.
- ۳) اصل بازبودن فرآیند بودجه‌بندی و بودجه‌نویسی دولت‌ها در حوزه تهیه، اجرا و گزارش‌دهی عملکرد آن‌ها. سند بودجه باید به روشنی و بدون ابهام اهداف و سیاست‌های مالی و عمده‌ترین ریسک‌های مالی را مطرح کند و نیز چارچوب اقتصاد کلان که بودجه در آن باید اجرا شود (مثل نفتی بودن یا درجه تنوع‌پذیری اقتصاد و یا چسبندگی متغیرهای کلان اقتصاد و ساختار اقتصاد).
- ۴) اصل اعتماد و اطمینان به درستی داده‌های مالی به کمک حسابرسی‌های مستقل و متعهد و ارزیابی پیش‌بینی دخل و خرج دولت به کمک کارشناسان مستقل و کارآمد.

تاثیر حسابداری بر شفافیت مالی

مالیات یکی از موضوعات مهم اقتصادی برای هر جامعه محسوب می‌شود. قوانین مالیاتی از مهم‌ترین ارکان اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت می‌باشد. در گذشته هدف از وضع قانون مالیات و گرفتن آن، تأمین بودجه دولت بود. به‌مرور زمان مالیات به عنوان ابزاری برای کاهش نابرابری و رسیدن به ثبات تلقی شد. دولت با توزیع درست مالیات دریافت شده در جهت رشد اقتصادی و جلوگیری از تورم و بیکاری قدم برمی‌دارد. حسابداری، به عنوان یک سیستم اطلاعاتی، اطلاعات مورد نیاز دولت برای تصمیم‌گیری را فراهم می‌کند. گزارش‌های حسابداری شرکت‌ها باید شفاف باشد تا دولت بتواند به راحتی جزئیات مالی آن‌ها را درک کند. دولت، با استفاده از این اطلاعات درک می‌کند که یک شرکت دقیقاً چگونه دارایی‌ها، درآمدها و بدهی‌های خود را مدیریت می‌کند. قرار گرفتن اطلاعات مالی دولت در اختیار مردم با هدف رفع ابهامات صورت می‌گیرد. به بیانی دیگر با دقت در مفهوم و هدف شفافیت مالی، مشخص می‌شود که وظیفه حسابداران، مدیران مالی و حسابرسان در شفاف سازی اطلاعاتی است که در اختیار گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد.

شفافیت گزارشگری مالی

گروه شفافیت به عنوان ویژگی مطلوب گزارش‌های مالی عنوان گردیده اما از این واژه تعریف جامعی که مه‌ور پذیرش عموم باشد، ارائه نشده است. بوشمن و همکاران (۲۰۰۴) شفافیت گزارشگری مالی را به عنوان: دسترسی گسترده و قابل استناد به اطلاعات مربوط به عملکرد دوره، موقعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، راهبری، ارزش و ریسک شرکت‌هایی که مورد مبادله عموم قرار می‌گیرند. تعریف کرده‌اند. در تعریف دیگری که توسط بارث و همکاران (۲۰۰۸) ارائه شده، شفافیت گزارشگری مالی به این معناست که گزارش‌های مالی واحد تجاری، واقعیت‌های اقتصادی واحد تجاری را به شیوه‌ای که برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی قابل درک باشند ارائه کنند.

یکی از روش‌های متعارف برای پاسخ‌گویی به تقاضای ذی‌نفعان برون‌سازمانی در قبال پاسخ‌گویی، افشای آنلاین اطلاعات مالی در زمینه عملکرد و وضعیت مالی شرکت است. در واقع، عدم انطباق آنلاین و شفافیت درست است که منجر به عدم پاسخگویی نامناسب می‌شود. این امر به ویژه در سناریوی بحران مالی و اقتصادی که در آن سازمان‌های بین‌المللی (IFAC، ۲۰۱۳) اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران و اعتبار‌دهندگان را برای تصمیم‌گیری در مورد برخی از

استراتژی های مربوط به بهبود محتوای اطلاعات مالی و افشای آنلاین اطلاعات خود در مورد پایداری بلند مدت مالی شرکت ها (IFAC، ۲۰۱۳) را در بر می گیرد.

یکی از انگیزه های اصلی برای استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در این زمینه، افزایش شفافیت مالی است که در راستای کاهش سطح نگرانی های ذی نفعان در ارتباط با وضعیت مالی، عملکرد مالی، تلاش های خدماتی و پیشرفت شرکت، صورت می گیرد. همه این ها بسیاری از سازمان ها را واداشته است که استفاده از ابتکارات گزارشگری تحت وب دیجیتالی برای ارائه دیجیتالی کردن رویه ها، اطلاع رسانی و معرفی یک ابزار وب سایت در راستای افزایش سطح شفافیت گزارشگری، به ذی نفعان امکان دسترسی آزاد، آسان و مناسب به اطلاعات مالی، بودجه و اقتصادی، را فراهم سازند (کیم، ۲۰۰۵).

کیفیت نهادی

تمامی اقتصاد دانان توسعه مالی را به مانند یک متغیر کلیدی و مهم در اقتصاد می نگرند. لذا تلاش بسیاری از محققان این بوده است تا عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی را شناسایی کنند تا از این طریق سیاست های مناسبی را در جهت ارتقاء سطح توسعه مالی طراحی نمایند. تحقیقات در این حوزه، بیشتر به نقش عوامل اقتصادی مانند تورم، سطح درآمد و بازبودن تجاری و آزادسازی مالی بر توسعه مالی تأکید داشته اند؛ اما یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی کیفیت نهادی کشورهاست. نقش کیفیت نهادی کشورها در زمینه های مختلف اقتادی توجه بسیاری از اقتصاددانان از جمله اقتصاددانان مالی را طی دهه های اخیر به خود معطوف نموده است. اقتصاددانان مالی معتقدند کیفیت نهادی می تواند بر توسعه مالی اثرگذار باشد. به اعتقاد آنان، در غیاب یک چارچوب قانونی دقیق به دلیل فقدان اعتماد سپرده گذاران، توانایی بازارهای مالی برای تجهیز منابع تضعیف می شود. این منجر به انتقال وجوه به خارج شده و از فرصت های سرمایه گذاری داخلی دریغ می گردد. در واقع می توان بیان نمود کیفیت نهادی نامناسب منجر به تضعیف بازارهای مالی شده و به دنبال آن رشد اقتصادی را مختل می کند (یانگ، ۲۰۱۱). لذا به نظر می رسد عملکردهای دولتی و ویژگی های کشورها به منظور توصیه سیاستی مناسب برای ارتقاء سطح توسعه مالی باید تحلیل گردد. نادیده گرفتن شرایط نهادی به معنای نادیده گرفتن واقعیات اقتصادی و جامعه شناختی کشورهاست و توصیه سیاستی برای ارتقاء توسعه مالی نادقیق بوده و ممکن است حتی اثر منفی بر آن داشته باشد.

کیفیت نهادی دولت و رشد اقتصادی

بررسی الگوهای رشد از نیمه دوم قرن بیستم تئوری های مختلفی برای تحلیل معمای رشد و عوامل مؤثر بر آن بیان شده است. این تئوری ها عبارتند از:

- مدل رشد نئو کینزین هارود-دومار.
- مدل رشد نئوکالسیکی سولو-سوان.
- مدل های رشد درونزای رومر-لوکاس.
- مدل های رشد نهادی و اقتصاد سیاسی (نهادگراها).

این تئوری ها، عوامل اصلی تعیین کننده رشد اقتصادی را انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه و ارتقا بهره وری می دانند. اما این تئوری ها در تبیین دلایل تفاوت فراوان کشورها در رشد اقتصادی ناتوان بودند. براساس مطالعات نظری و تجربی، رشد کشورهای فقیر توان بالقوه فراوانی برای رسیدن به رشد کشورهای توسعه یافته

دارند اما این کشورها در ایجاد نتایج مثبت رشد به دلیل فقدان و ناکارآمدی نهادهای حمایت کننده رشد، ناتوان بوده اند (رودریک، ۲۰۰۵).

الگوهای رشد نئوکالسیک نسبت به الگوهای کینزی هارود و دومار گامی رو به جلو بودند. این الگوها با دخالت دادن قیمت عوامل تولید و جایگزینی عوامل تولید، امکان ژرفتر نمودن الگوی پیشین را فراهم ساختند و توانستند تا مشکل بی ثباتی "لبه تیغ چاقو" را در طرح هارود دومار حل کنند (هال و جونز، ۱۹۹۹). سولو در دهه ۱۹۹۰، الگویی را توسعه داد که به صورت ابزار استاندارد پژوهش های مربوط به رشد اقتصادی درآمده است. در این الگو، نرخ رشد اقتصادی به سرعت افزایش نهادهای عوامل تولید (کار و سرمایه) بستگی دارد. رشد جاری ممکن است نتیجه افزایش نهادی یک یا دو عامل تولید باشد. برونزا بودن عوامل رشد در چارچوب رشد نئوکالسیکی جایی را برای سیاست اقتصادی در تأثیرگذاری آن بر نرخ تعادلی بلندمدت رشد اقتصادی در نقطه مقابل انتقال های کوتاه مدت بین حالت های به اصطلاح ثابت، باقی نمی گذارد. باوجود این، گروه سوم الگوهای رشد از سوی رومر و لوکاس مطرح شدند و نرخ رشد را به طور درونزا تعیین می کردند. برای مثال، فرض را بر وجود اثرهای خارجی سرمایه گذاری (به اصطلاح اثر سرریز) می گذارند، به طوری که ذخایر سرمایه ملی بازدهی فزاینده دارند درحالی که در سطح بنگاه اقتصادی، بازدهی ثابت است. با اینکه نظریه های جدید، رشد پایدار و پیشرفت تکنولوژی را درونزا تعریف می کنند، اما توضیح آن ها از تفاوت های درآمدی، مشابه نظریه های پیش از خود است. برای نمونه، در مدل رومر یک کشور در صورتی پیشرفته تر از دیگری است که منابع زیادی را به اختراع ها و ابداع ها اختصاص داده باشد. اما اینکه کدام ویژگی اساسی است که دارایی و تکنولوژی را برای ایجاد نوآوری ترجیح می دهند، پرسشی است پیشروی این مدل ها که قدرت یافتن پاسخ به آن را ندارند. الگوهای درونزای رشد و به تبع آن، طرح چنین پرسش هایی علاقه به ترتیب های نهادی و سیاست اقتصادی را به عنوان عوامل سیاسی مؤثر بر رشد اقتصادی دامن زدند. در حالت کلی ناتوانی تئوری های رشد اقتصادی در تبیین تفاوت های رشد کشورهای مختلف، منجر به ایجاد موج چهارم تئوری های رشد شد. نظریه های بیان شده تا اواخر قرن بیستم، عوامل تأثیرگذار بر رشد و مکانیزم های رشد را بررسی می کرد ولی اینکه چرا بعضی کشورها رشد سریع تری را نسبت به بقیه تجربه می کردند، توضیحی نداشت. اولین مطالعات در این زمینه توسط نورث در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت که نهادها را دلیل تفاوت توسعه یافتگی کشورها دانست.

مکتب نهادگراها

هنوز تعریف واضح و مشخصی در رابطه با نهاد وجود ندارد. در بین تعریف های مختلف می توان به تعریف نورث اشاره کرد. نورث^۱ (۱۹۹۱) بیان می کند "نهادهای، قوانین بازی در جامعه اند، یا به عبارتی سنجیده تر قیودی وضع شده از جانب بشر هستند که روابط متقابل انسان ها با یکدیگر را شکل می دهند. در نتیجه نهادها باعث ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند، چه این مبادلات اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی باشد. در یک تعبیر کلی، نهادها مشتمل بر باورها، رفتارها (حوزه عقلانی یا غیرعقلایی)، سنت ها، ضوابط و مقررات حقوقی هستند که پیرامون یک هسته اصلی، مجموعه هماهنگی را شکل می دهند". بنابراین نهاد خوب میتواند یک ساختار انگیزشی ایجاد کند که باعث تشویق کارایی، کاهش نا اطمینانی شده و به بهبود عملکرد اجتماعی و اقتصادی کمک کند. در ارتباط با ایجاد نهادهای حاکمیتی مناسب و ارتقای بخش خصوصی، دولت نقش بسیار مهمی دارد. به طوری که بسیاری از مطالعات، نهادهای دولتی را منشاء ایجاد اعتماد مردم می دانند. اگر دولت اقدام به وضع قوانین و مقرراتی کند که به مجازات قانون شکنان و

¹ North

حمایت از اقلیت ها بپردازد، به طوری که شهروندان ببینند که این نهادها به طور منصفانه و کارآمد عمل می کنند، اعتماد آن ها نسبت به دولت افزایش می یابد و در نهایت این اعتماد متقابل باعث افزایش کارایی مردم و دولت می شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۸).

وجود نهادهای کارآمد اقتصادی برای رشد اقتصادی ضروری هستند. نهادها انگیزه های کلیدی عوامل اقتصادی را تقویت می کنند و بر سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی و تکنولوژی و بر سازماندهی تولید تأثیر می گذارند. اگرچه عوامل فرهنگی و جغرافیایی نیز ممکن است برای عملکرد اقتصادی ضروری باشند، اختلافات در نهادهای اقتصادی منبع اصلی اختلافات بین کشوری در رشد اقتصادی و موفقیت یک کشور به حساب می آیند. نهادهای اقتصادی نه تنها تعیین کننده ی ظرفیت رشد اقتصادی کل یک اقتصاد هستند، بلکه تعیین کننده نتایج اقتصادی مختلف از جمله توزیع منابع (توزیع ثروت، توزیع سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) در آینده نیز هستند. جوامع زمانی به طور اقتصادی موفق هستند که نهادهای اقتصادی خوب داشته باشند. نهادهای اقتصادی خوب، دلیل موفقیت به حساب می آیند (احمدپور کچو و دهمرده، ۱۳۹۸).

نورث که سهم عمده ای در شناساندن متغیرهای نهادی به عنوان دلایل اختلافات درآمدی بین کشورها دارد، به تشریح نظریه های جدید درباره ی علت های رشد کشورهای توسعه یافته و عقب ماندگی کشورهای توسعه نیافته می پردازد. نورث علت فقیرماندن کشورهای جهان سوم را در عدم شویق فعالیت های مولد به واسطه ی محدودیت های نهادی موجود در ساختار اقتصادی آن ها می داند. وی همچنین علل و عوامل بنیادی رشد اقتصادی را، نهادهایی می داند که منجر به کاهش هزینه های مبادله و افزایش بهره وری از طریق تخصصی کردن فعالیت ها و فرآیند مبادله می شوند. مسأله مهم به لحاظ اقتصادی این است که شکوفایی و توسعه نظام اقتصادی در سیر تاریخی یک جامعه، ضرورتاً نیازمند انباشت سرمایه فیزیکی و انسانی، ذخیره و انباشت دانش، بهبود مداوم فناوری و به وجود آوردن شیوه های جدید تولید است. این امر نیز نیازمند حاکمیت مجموعه نهادی با ثبات و با کارایی نسبی، اجرای نهادی مطلوب و برقراری امنیت و ثبات اجتماعی - سیاسی است. هرچه چارچوب نهادی با ثبات تر و کارایی آن بیشتر باشد، کارکرد ساختار اقتصادی در تخصیص منابع و توزیع درآمد و ثروت کاراتر و نتیجه آن شکوفایی اقتصادی و رشد و توسعه نظام اجتماعی خواهد بود (نورث، ۲۰۰۶).

جدیدترین تعریف بانک جهانی بیان می کند که کیفیت نهادی عبارت است از:

۱) اتخاذ سیاست های از قبل تعیین شده، آشکار و صریح دولت که شفافیت فعالیت های دولت را نشان می دهد.

۲) پاسخگویی دستگاه های اجرایی در قبال فعالیت هایشان.

۳) بوروکراسی شفاف.

۴) برابری همه ی افراد در برابر قانون.

۵) مشارکت مردم در امور اجتماعی و سیاسی و ...

در حالت کلی کیفیت نهادی یک کشور، مدیریت منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده یک کشور است یا به عبارتی عملکرد بهینه نهادها و فرآیندها برای تأمین نیازهای جامعه در کنار بهره برداری بهینه از منابع موجود است که راه های رشد اقتصادی کشور را فراهم می کند. مسلماً وجود دستگاه های اداری کارآمد و بهینه در جامعه، از طریق ترویج عدالت اجتماعی، پاسخگویی به نیازهای مردم، دسترسی عموم به خدمات با کیفیت بهداشتی و درمانی و تحصیلی و ... در عملکرد بهینه حکومت و افزایش کارایی دولت بسیار مؤثر خواهد بود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

شاخص هایی که توسط بانک جهانی برای کیفیت نهادی معرفی شده اند عبارتند از:

۱) حق پاسخ گویی و اظهارنظر: مفهیمی از جمله آزادی بیان و تجمعات سیاسی و اجتماعی، حقوق سیاسی، آزادی مطبوعات، فرآیندهای سیاسی در برگزاری انتخابات که به - عنوان شاخص دموکراسی یاد می شود از جمله معرف های این شاخص است.

۲) اثربخشی دولت: معیارهای سنجش اثربخشی و کارایی دولت عبارتند از: تصمیم های مدیریتی در ارتباط با حاکمیت قانون، سیاست گذاری و اجرا توسط دولت برای حمایت از سیستم بازار، توانایی دولت در قانونگذاری، داوری دادگاه ها، کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران، عدالت مدیریتی و قضایی.

۳) ثبات سیاسی: این شاخص مفهیمی چون ترور و اعدام های سیاسی، نا آرامی های اجتماعی، کودتا، آشوب های شهری، تنش های قومی و انتقال آرام قدرت در سطوح بالا را نشان می دهد.

۴) حاکمیت قانون: از جمله مفهیمی که حاکمیت قانون را می سنجند عبارتند از: احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت، اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیشبینی دستگاه قضایی، وجود جرم های سازمان یافته.

۵) کیفیت قوانین و مقررات: مفهیمی از جمله موانع تعرف های و غیرتعرف های، مقررات دست و پاگیر، مداخله دولت در اقتصاد، دسترسی به بازارهای سرمایه و سیاست های رقابتی معرف کیفیت قوانین و مقررات در جامعه هستند.

۶) کنترل فساد: سوءاستفاده از قدرت عمومی به نفع منافع خصوصی، تعریفی است که از طرف سازمان شفافیت بین المللی برای فساد بیان شده است. به عنوان مثال اختلاس اموال عمومی، باج گیری در تدارکات عمومی، پرداخت رشوه به مقامات دولتی و ...

شاخص های بیان شده حاصل تالش سه تن از محققان بانک جهانی کافمن، کری و لوباتون است که یافته های مؤسسات بین المللی مختلف از جمله EIU و ICRG و بنیاد هریتیج را با یکدیگر ادغام کرده و شاخص های جدیدی را با توجه به وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها با نام شاخص حکم رانی معرفی کرده اند.

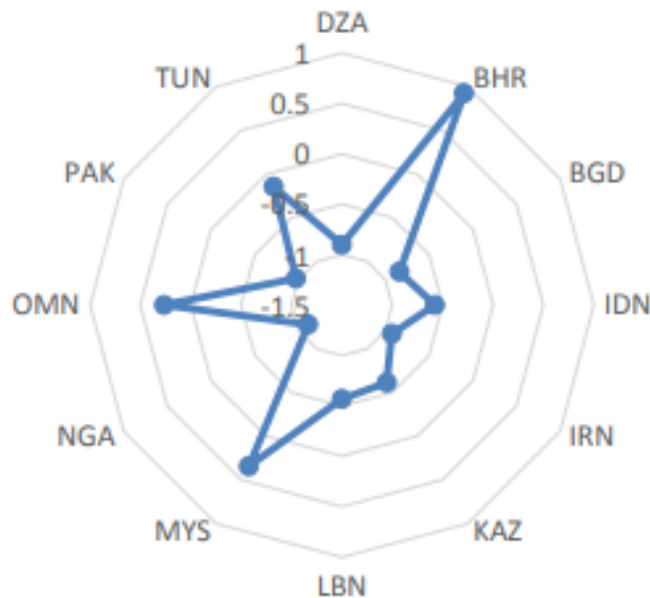
به عبارتی کیفیت حکمرانی به کیفیت خدمات عمومی دولت و کیفیت وضع و اجرای قوانین و مقررات و تعهدهای دولتی اشاره می کند. با افزایش کارایی دولت، منابع درآمدی دولت نیز افزایش می یابد. علت این افزایش، مشارکت بیشتر مردم در تأمین هزینه های دولتی و کاهش فرار مالیاتی است. افزایش اثربخشی دولت و به دنبال آن افزایش درآمد دولت می تواند تأثیر مثبتی روی افزایش تولیدات صنعتی کشور داشته باشد و گامی در زمینه صنعتی شدن و رشد و توسعه اقتصادی باشد.

مطالعات نشان می دهد که فساد و ناامنی در عملکرد نهادها منجر به گسترش اقتصاد سایه ای می شود. به عبارتی بین اثربخشی دولت و اقتصاد سایه ای رابطه منفی معناداری وجود دارد و افزایش کارایی دولت منجر به کاهش اقتصاد سایه ای شده و در نهایت شرایط رشد اقتصادی را فراهم می سازد. اگر شهروندان و دولت، حس مسئولیت جمعی نسبت به ساختارهای نهادی داشته باشند حکمرانی دولت نیز بهتر شده و سیاست ها کارا تر عمل می کنند و در نهایت امکان رشد و پیشرفت کشور افزایش می یابد (تورگلر و اشنایدر، ۲۰۰۷).

اگر شهروندان ببینند که ترجیحاتشان در نهادهای دولتی مدنظر قرار گرفته می شود و میزان مورد نیاز از کالاهای عمومی را دریافت می کنند، رفتارشان را با دولت هماهنگ کرده و تمایل به همکاری بیشتری با دولت خواهند داشت و در نتیجه انگیزه ورود به اقتصاد سایه ای کاهش می یابد. از طرفی با افزایش فساد در یک اقتصاد، اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی کمتر می شود و انگیزه آن ها برای فعالیت در اقتصاد سایه ای افزایش می یابد. در حالت کلی، اثربخشی دولت و

کارایی آن، انگیزه انتقال به اقتصاد سایه ای را کاهش داده و منجر به کاهش فرار مالیاتی شده و منابع درآمدی دولت را افزایش می دهد. این درآمدها در صورت مدیریت صحیح می توانند امکان رشد و توسعه کشور را فراهم سازند. در نمودار ۱ متوسط شاخص کیفیت نهادی را برای سال های ۱۹۹۶ الی ۲۰۱۷ برای کشورهای منتخب استخراج کردیم. باتوجه به نمودار، ایران در بین کشورهای منتخب وضعیت ایده ال ندارد.

نمودار (۱): متوسط شاخص کیفیت نهادی برای کشورهای منتخب به صورت راداری



دولت معمولاً نقش دو گانه ای در قالب تنظیم کننده بازار و مالک شرکت های دولتی بازی می کند. از این رو همزمان نقش بازیگر و داور را عهده دار است. لذا تفکیک کامل وظایف اجرایی دولت برای تنظیم بازار از نقش مالکانه آن پیش شرط اساسی برای فراهم کردن شرایط برابر فعالیت و رقابت بین شرکت های دولتی و شرکت های بخش خصوصی است. مساله مهم دیگر استفاده از شرکت های دولتی به عنوان ابزار اجرای سیاست ها و خط مشی های صنعتی است. این امر به سادگی می تواند باعث سردرگمی و تضاد بین این خط مشی ها و وظایف مالکانه دولت شود. تفکیک این دو از یکدیگر از یک سو، نقش مالکانه دولت را برجسته و از سود دیگر سبب تعریف مشخص تر از اهداف و متعاقباً نظارت بر عملکرد می شود. فراهم کردن زمینه فضای رقابت منصفانه بین شرکت ها دولتی و شرکت های خصوصی مستلزم آه است که شکل قانونی و نحوه عمل شرکت های دولتی به گونه ای تغییر کند که دست اعتبار دهندگان برای فشار و مطالبه ادعایشان باز باشد و قادر به ارائه درخواست و شکستگی باشند.

از جمله نظریه ها در رابطه با انگیزه های مدیر برای افشای اطلاعات، نظریه افشای اختیاری مبتنی بر معیارهای هزینه-منفعت ناشی از افشاء است. طبق این نظریه، مدیران هنگامی اقدام به افشای اطلاعات شرکت یا بنگاه اقتصادی می کنند که منافع حاصل از افشای اطلاعات را بیشتر از هزینه تهیه گزارش اطلاعات از جمله هزینه مالکانه و هزینه ریسک دعاوی بدانند. تئوری افشای اختیاری چنین استدلال می کند که مدیران چنین افشاهایی را زمانی انجام می دهند که منافع حاصل از آن بیش از هزینه های آن باشد (زیمرن و همکاران، ۲۰۰۸).

یه کارگیری گزارشگری مالی حسابرسی شده و افشای اختیاری اطلاعات خصوصی توسط مدیران به صورت مکمل مشکلات مربوط به کم ارزش بودن افشای اطلاعات خصوصی به عنوان یک مکانیسم مستقل را کاهش میدهد (کراوفورد و سوئل، ۱۹۸۲) زمانی که مدیران مطلع می شوند افشای اطلاعات خصوصی آن ها متعاقباً با دقت بیشتر و آزادانه تر مورد تایید قرار میگیرد مورد تشویق قرار می گیرند تا اطلاعات بیشتری را افشا کنند (ری بال، ۲۰۱۲). مکانیسم هایی که مدیران می توانند تعهد به افشای حقیقی اطلاعات محرمانه نمایند به خوبی شناخته نشده است.

مدیران تمایل دارند تا به صورت داوطلبانه اقدام به افشای اطلاعات شخصی خود نمایند، بنابراین برای این اقدام نیاز به یک مکانیسم قابل اتکاء برای ابلاغ منصفانه اطلاعات دارند. انتظار می رود یکی از این مکانیسم ها صورت های مالی حسابرسی شده توسط حسابرس مستقل باشد که بر نتایج گزارش شده به عنوان یک مکانیسم مستقل افشای اطلاعات اثر می گذارد. شرکت هایی که منابع بیشتری به افشاء اختیاری اختصاص می دهند احتمالاً منابع بیشتری به گزارشات مالی حسابرسی شده اختصاص می دهند. افشای اختیاری که به موقع و دقیق باشد احتمالاً منجر به تایید پذیری بالاتر حسابرسی می شود. شرکت هایی که دارای افشای ناصحیح هستند به احتمال خیلی کم طالب اثبات پذیری بالای حسابرسی خواهند بود (ری بال و همکاران، ۲۰۱۲). نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثر بخش اطلاعات بر افراد برون سازمان به روشی معتبر و به موقع است. مدیران می توانند از آگاهی خود درباره فعالیت های تجاری شرکت برای بهبود اثر بخشی صورت های مالی به عنوان ابزاری برای انتقال اطلاعات به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان بالقوه استفاده نمایند. یکی از طرق انتقال اطلاعات، افشای اطلاعات از طریق صورت های مالی است (خانی و میرباقری رودباری، ۱۳۹۰) عوامل زیادی بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر گذار هستند همچنین گزارشگری مالی نیز بر عوامل مختلفی تاثیر گذار است. یکی از اهداف گزارشگری مالی تسهیل تخصیص بهینه سرمایه در اقتصاد است. یکی از مهم ترین جنبه های این نقش بهبود تصمیمات سرمایه گذاری است. زمانی که مدیران مطلع می شوند افشای اطلاعات خصوصی آن ها متعاقباً با دقت بیشتر و آزادانه تر مورد تایید قرار می گیرد مورد تشویق قرار می گیرند تا اطلاعات بیشتری را افشا کنند (ری بال و همکاران، ۲۰۱۲).

نتیجه گیری

تمامی اقتصاد دانان توسعه مالی را به مانند یک متغیر کلیدی و مهم در اقتصاد می نگرند. لذا تلاش بسیاری از محققان این بوده است تا عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی را شناسایی کنند تا از این طریق سیاست های مناسبی را در جهت ارتقاء سطح توسعه مالی طراحی نمایند. تحقیقات در این حوزه، بیشتر به نقش عوامل اقتصادی مانند تورم، سطح درآمد و بازبودن تجاری و آزادسازی مالی بر توسعه مالی تأکید داشته اند؛ اما یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه مالی کیفیت نهادی کشورهاست. نقش کیفیت نهادی کشورها در زمینه های مختلف اقتدای توجه بسیاری از اقتصاددانان از جمله اقتصاددانان مالی را طی دهه های اخیر به خود معطوف نموده است. اقتصاددانان مالی معتقدند کیفیت نهادی می تواند بر توسعه مالی اثرگذار باشد. به اعتقاد آنان، در غیاب یک چارچوب قانونی دقیق به دلیل فقدان اعتماد سپرده گذاران، توانایی بازارهای مالی برای تجهیز منابع تضعیف می شود. این منجر به انتقال وجوه به خارج شده و از فرصت های سرمایه گذاری داخلی دریغ می گردد. در واقع می توان بیان نمود کیفیت نهادی نامناسب منجر به تضعیف بازارهای مالی شده و به دنبال آن رشد اقتصادی را مختل می کند.

منابع

- ✓ احمدپور کچو، علی، دهمرده، نظر، (۱۳۹۸)، اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، پژوهش های اقتصاد و توسعه منطقه ای، سال ۲۶، شماره ۱۷، صص ۳۳-۶۲.
- ✓ باقری، محمود، شارعپور، محمود، کریمی موغاری، زهرا، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر نگرش به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی در میان شهروندان شهر شیراز (بررسی تجربی نظریه های نهادمحور)، جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، شماره ۱۴، صص ۲۸۷-۳۱۵.
- ✓ چراغ، میثم، (۱۳۹۹)، تاثیر شفافیت ریسک های بانکی و سودآوری بانکی بر افزایش رقابت در بانک های خصوصی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس علمی پژوهشی مدیریت، اقتصاد و حسابداری.
- ✓ حاجی هاشمی، الهام، منصور، نسرين، صادقی عمروآبادی، بهروز، فدائی مهدی، (۱۴۰۰)، تحلیل اثر شفافیت بانک مرکزی بر نوسانات نرخ ارز در اقتصاد ایران، پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، دوره ۲۱، شماره ۲، صص ۸۳-۱۱۶.
- ✓ حیدرزاده هنزائی، علیرضا، کاظم یوسفخانی، زهرا، غفاری، اسماعیل، (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر کیفیت دارایی بر ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی و رقابت پذیری، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، (ویژه نامه)، صص ۱۳۱-۱۴۰.
- ✓ خانی، عبداالله، میرباقری رودباری، سیده آمنه، (۱۳۹۰)، تاثیر آستانه اهمیت و انگیزه های اختیاری مدیران بر افشای اطلاعات شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۷، صص ۵۶-۷۲.
- ✓ درویشی، علی اکبر، امید منس، امید، (۱۳۹۹)، تاثیر شفافیت، افشای اطلاعات مالی و ساختار بانک رقابت پذیری بانک های خصوصی منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، مهندسی صنایع و حسابداری.
- ✓ رستم زاده، پرویز، صمدی، علی حسین، یادگار، زینب، (۱۳۹۷)، کیفیت نهادی، افزایش سهم بانکهای خصوصی و ثبات نظام بانکی در ایران، اقتصاد و الگو سازی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۴۳-۱۷۱.
- ✓ زمان زاده، حمید، الحسینی، محمد صادق، (۱۳۹۵)، اقتصاد ایران در تنگنا توسعه، نسخه ۱، تهران، ایران، انتشارات مرکزی.
- ✓ سینیایی، محمود، داوودی اسکی، آزاده، (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر در مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱، ویژه نامه بانک.
- ✓ عرفانی، هایده، رحمانی، علی، حیدرزاده هنزائی، علیرضا، (۱۴۰۰)، تاثیر شفافیت مالی بانکها بر تاخیر تعدیل قیمت سهام، دانش سرمایه گذاری، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۱۲۳-۱۴۲.
- ✓ مبارک، اصغر، هژیر کیانی، کامبیز، معمارنژاد، عباس، بیکارجو، کامبیز، (۱۳۹۷)، مطالعه تاثیر کیفیت نهادی و سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، دوره ۲۳، شماره ۱، صص ۱۴۶-۱۶۰.
- ✓ نظریان رافیک، عزیزیان فرد، رقیه، (۱۳۹۵)، بررسی عوامل مؤثر بر حاشیه نرخ سود بانکها در ایران، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱۰۶، صص ۷۳-۱۰۶.
- ✓ Asongu, S., Le Roux, S., Nwachukwu, J. and Pyke, C. (2019), "Reducing information asymmetry with ICT", International Journal of Managerial Finance, Vol. 15 No. 2.
- ✓ Barajas, A., Steiner, R. and Salazar, N., (2000), "The Impact of Liberalization and Foreign Investment in Colombia's Financial Sector", Journal of Development Economics, 63, pp. 157-196.

- ✓ Barnea, A, Haugen, R. Q, and Senbet, L.W.(1985), Agency problems and financial contracting, Englewood Cliffs Prentice-Hall.
- ✓ Bermpel, T., Kalyvas, A., & Nguyen, T. C. (2018). Does institutional quality condition the effect of bank regulations and supervision on bank stability? Evidence from emerging and developing economies. *International Review of Financial Analysis*, 59, 255-275.
- ✓ Blau, Benjamin, Brough, Tyler, Griffith, Todd.(2017). "Bank opacity and the efficiency of stock prices". *Journal of Banking and Finance*, 76, page 32-47.
- ✓ Bushman, R., Piotroski, J., Smith, A., (2004). What Determines Corporate Transparency? *Journal of Accounting Research* 42, 207-252.
- ✓ Diamond D.W., Philip H. Dybvig ,(1983), "Bank Runs, Deposit Insurance, and Liquidity", *Journal of Political Economy*", 91, pp. 401-419.
- ✓ Gazdar, K., & Cherif, M. (2015). The quality of institutions and financial development in MENA countries. *Borsa Istanbul Review*, 15(3), 137-160.
- ✓ Gyeke-Dako, A., Agbloyor, E.K., Turkson, F.E. and Baffour, P.T. (2018), "Financial development and the social cost of financial intermediation in Africa", *Journal of African Business*, Vol. 19 No. 4, pp. 455-474.
- ✓ Hall, R. E., & Jones, C. I. (1999), Why do some countries produce so much more output per worker than others? The role of Institutional quality, *The Quarterly Journal of Economic*, 114(1): 83-116.
- ✓ Hellman, Thomas F., Murdock Kevin C. and Stiglitz, Joseph E., (2000), "Liberalization, Moral Hazard in Banking and Prudential Regulation: Are Capital Requirements Enough?", *The American Economic Review*, 90, 147-165.
- ✓ Khan, M. A., Kong, D., Xiang, J., & Zhang, J. (2020). Impact of institutional quality on financial development: cross-country evidence based on emerging and growth-leading economies. *Emerging Markets Finance and Trade*, 56(15), 3829-3845.
- ✓ Kim, J. (2005). Accounting Transparency of Korean Firms: Measurement and Determinant Analysis. *The Journal of American*.
- ✓ Kusi, B. A. (2021). Financial sector transparency and bank interest margins: do quality of political and financial regulatory institutions matter?. *Journal of Financial Regulation and Compliance*.
- ✓ Kusi, B.A., Agbloyor, E.K., Ansah-Adu, K. and Gyeke-Dako, A. (2017), "Bank credit risk and credit information sharing in Africa: does credit information sharing institutions and context matter?",
- ✓ Kusi, B.A., Nortey, O.A. and Dzeha, G.C. (2019), "Central bank independence and economic welfare in Africa: do institutional quality and levels of central bank independence matter?", *Review of Development Finance*, Vol. 9 No. 1, pp. 79-93.
- ✓ Nabi, M. S., & Suliman, M. S. (2009). Institutions, banking development, and economic growth. *The Developing Economies*, 47(4), 436-57.
- ✓ Naceur, S.B. and Kandil, M. (2009), "The impact of capital requirements on banks' cost of intermediation and performance: the case of Egypt", *Journal of Economics and Business*, Vol. 61 No. 1, pp. 70-89.
- ✓ North, D. (1996). Institutions, Organizations and market competition. Working Paper, 9612005.
- ✓ North, D. C. (1991). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge (UK): Cambridge University Press
- ✓ North, D. C., (2006), Understanding the Process of Economic Change, Princeton University Press

- ✓ Poghosyan, T. (2013), "Financial intermediation costs in low income countries: the role of regulatory, institutional, and macroeconomic factors", *Economic Systems*, Vol. 37 No. 1, pp. 92-110.
- ✓ Ray Ball a,n, Sudarshan Jayaraman b, Lakshmanan Shivakumar c (2012). *Research in International Business and Finance*, Vol. 42, pp. 1123-1136.
- ✓ Rodrik, D., Subramanian, A., & Trebbi, F. (2005). *Institutions Rule: the Primacy of Institutions over Geography and Integration in Economic Development*. *Journal of Economic Growth*, 9(2): 131-165.
- ✓ Sponholtz, C, (2008), *The information content of earing announcements in Denmark*, *The International Journal of Managerial Finance*. Vol 4 , no 1.
- ✓ Torgler, B, Schneider, F(2007a). *The Impact of Tax Morale and Institutional Quality on the Shadow Economy*, *IZA Discussion Paper*, 2541.
- ✓ Moradi, M., & Gashti, S. S. D. (2022). *The effect of institutional quality on financial transparency and bank interest margins of banks listed on the Tehran Stock Exchange*. *International Journal of Business Management and Entrepreneurship*, 1(4), 35-49.